



گزارش کارشناسی

پرونده‌های دیوان عدالت اداری در خصوص:

تقاضای ابطال ماده (۱۲) و بندهای «ا» الی «ه» ماده
(۳۲) اصلاحیه قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف
و امور خیریه

کد گزارش: ۹۶۰۳۰۲۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۰۳/۰۱

پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه گزارش

گزارش کارشناسی پرونده‌های دیوان عدالت اداری

موضوع:

تقاضای ابطال ماده (۱۲) و بندهای «۱» الی «۵» ماده
(۳۲) اصلاحیه قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف
و امور خیریه

تهیه و تنظیم:

سیدمجتبی حسینی پور

نظارت:

محمدعلی فراهانی

پژوهشگده شورای نگهبان

شماره گزارش: ۹۶۰۳۰۲۳

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۶/۰۳/۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش کارشناسی پرونده‌های استعلامی دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت: تقاضای ابطال ماده (۱۲) و بندهای «۱» الی «۵» ماده (۳۲)^۱
اصلاحیه قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه
شاکی: آقای سید مهدی مصطفوی‌نیا
طرف شکایت: سازمان اوقاف و امور خیریه (هیأت وزیران)
جهت مغایرت شرعی: با احادیث معصومین (صلوات اله علیهم) و فتاوی مراجع تقلید
و قاعده فقهی «الناس مسلطون علی اموالهم»
شماره و تاریخ نامه دیوان: نامه شماره ۹۰۰۰/۲۱۰/۱۸۰۷۷۰/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۶

مقدمه

شاکی به موجب تقدیم درخواستی، ابطال ماده (۱۲) و بندهای «۱» الی «۵» ماده (۳۲) اصلاحیه آئین‌نامه اجرایی «قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه»^۲ (مصوب ۱۳۹۱/۳/۷)، درخصوص اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه نسبت به موقوفات عام دارای متولی و خاص به صورت مطلق، را به استناد روایات و فتاوی و اصل تسلیط و برخی مواد قانونی، تقاضا نموده است. آئین‌نامه مزبور به استناد ماده (۱۷) «قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» (مصوب ۱۳۶۳)^۳ توسط هیأت وزیران به تصویب رسیده است.

۱. در متن نامه دیوان به اشتباه به جای ماده (۳۲)، ماده (۳۳) ذکر شده است.

۲. در گزارش حاضر قانون یاد شده تحت عنوان «قانون اوقاف» ذکر خواهد شد.

۳. ماده ۱۷ - آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون و کیفیت تحقیق در شعب تحقیق با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

شرح و بررسی

مطابق ماده (۱۲)^۱ مورد اعتراض، اعطای حق تملک اعیان به مستأجر در موقوفاتی که عرصه و اعیان آن‌ها وقف است ممنوع اعلام دانسته شده است و صرفاً در موارد استثنایی در قبال پرداخت پذیره با پیشنهاد متولی و ادارات اوقاف و امور خیریه و تأیید نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان مجاز دانسته شده است.

همچنین براساس بندهای مورد ایراد ماده (۳۲)^۲، امور «فروش رقبات موقوفه و نحوه تبدیل آن‌ها با رعایت موازین شرعی و قانونی»، «اجاره بیش از ده سال»، «ترک مزایده در مورد اجاره رقبات مشمول مزایده»، «صلح و استرداد دعاوی

۱. ماده ۱۲- در موقوفاتی که عرصه و اعیان آنها وقف است، اعطای حق تملک اعیان به مستأجر ممنوع می باشد. در موارد استثنایی، تملک اعیان مستحدثه به وسیله مستأجر در قبال پرداخت پذیره با رعایت قوانین و مقررات مربوط و با پیشنهاد متولی و ادارات اوقاف و امور خیریه و تأیید نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان مجاز است و این موضوع در مورد باغهای موقوفه و همچنین در مورد موقوفات خاص نیز جاری است.

۲. ماده ۳۲- ادارات اوقاف و امور خیریه (در موقوفات متصرفی) و همچنین متولیان موقوفات عام و خاص (در موقوفات تحت تولیت خود) به منظور رعایت غبطه و مصلحت وقف و رفع مظنه تعدی و تفریط، موارد زیر را با رعایت قوانین و مقررات مربوط و با اطلاع و تأیید نماینده ولی فقیه در سازمان، انجام خواهند داد:

- ۱- فروش رقبات موقوفه و نحوه تبدیل آنها با رعایت موازین شرعی و قانونی.
 - ۲- اجاره بیش از ده سال
 - ۳- ترک مزایده در مورد اجاره رقبات مشمول مزایده
 - ۴- صلح و استرداد دعاوی موقوفه
 - ۵- ارجاع اختلاف به داوری و انتخاب داور یا داوران
 - ۶- نصب و عزل امنای موقوفات و بقاع متبرکه
- تبصره - سرپرست سازمان می تواند جهت بررسی و اظهارنظر مشورتی در خصوص مشکلات و مسائل فقهی، حقوقی و اوقافی هیئتی مرکب از افراد صاحب نظر را انتخاب و تعیین نماید.

موقوفه» و «ارجاع اختلاف به داوری و انتخاب داور یا داوران» در مورد کلیه موقوفات اعم از موقوفات عام و خاص و دارای متولی و بدون متولی، باید با اطلاع و تأیید نماینده ولی فقیه در سازمان انجام دهد.

همانگونه که در مقدمه اشاره گردید، شاکی احکام مذکور را ناظر به اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه به استناد موارد متعددی مغایر شرع و قانون قلمداد نموده است که ذیلاً به این موارد اشاره خواهد شد.

الف - ادله شاکی:

شاکی در مقدمه استنادات خود ضمن بیان انواع موقوفات از حیث موارد مصرف منافع آن‌ها و مدیریت (الف: موقوفات عامه دارای متولی منصوص، ب: موقوفات خاصه دارای متولی منصوص، ج: موقوفات عامه فاقد متولی منصوص، د: موقوفات خاصه فاقد متولی منصوص)، دخالت و مدیریت سازمان اوقاف را به طور عادی منحصر به نوع سوم (موقوفات عامه فاقد متولی منصوص) دانسته و دخالت این سازمان در انواع اول، دوم و چهارم را مغایر قوانین و موازین شرع دانسته است و در دو بخش، استنادات خود را بیان نموده است. بخش نخست در متن اولیه دادخواست ارائه شده است که ناظر به رأی پیشین دیوان عدالت اداری در این رابطه مستند به نظر شورای نگهبان می‌باشد و بخش دوم تفصیل مغایرت‌های شرعی و قانونی احکام مورد اعتراض است که در بخش رفع نقص پرونده بیان شده است.

۱) رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و نظر سابق شورای نگهبان:

شاکی در متن شکایت خود به دادنامه شماره ۲۵۰-۲۴۹ مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۱

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اشاره می‌نماید، که براساس آن، مواد (۱۲) و

بندهای (۱) الی «۶» ماده (۳۲) آئین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مستند به نظر فقهای شورای نگهبان ابطال شده است و لکن هیأت وزیران مجدداً همان احکام ابطال شده را در قالب تغییر عبارات و به عنوان مواد اصلاحی به تصویب می‌رساند و ازین رو شاکی به جهت عدم رعایت نظر سابق هیأت عمومی در مصوبه اصلاحی هیأت وزیران، ابطال آن را درخواست می‌نماید. در این رابطه مطابق رأی مورد اشاره «نظر به این که به موجب نامه‌های شماره ۳۷۵۰۱ /۳۰/ ۸۸ و ۳۷۵۰۰ /۳۰/ ۸۸ مورخ ۴ /۱۲ /۱۳۸۸ شورای نگهبان، اطلاق ماده ۱۲ و بندهای یک الی شش ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ توسط فقهای شورای نگهبان خلاف موازین شرع اعلام شده است، در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵، اطلاق ماده ۱۲ و بندهای یک الی شش ماده ۳۲ آیین‌نامه مذکور ابطال می‌شوند»

۲) روایات و فتاوی

۱. هرگونه دخالت سازمان اوقاف در موقوفات عامه و خاصه دارای متولی، مخالف نص حکم امام عصر (عجل‌الله‌فرجه) می‌باشد که در پاسخ به سؤالی درباره جواز اداره امور موقوفه فرموده‌اند «فان ذلک جایز لمن جعله صاحب الضیعه قیماً علیها، انما لا یجوز ذلک لغيره» (وسائل الشیعه کتاب الوقوف الصدقات باب ۴ حدیث ۸) /

۲. امام راحل قدس سره در مسئله ۸۳ کتاب الوقف تحریر الوسیله بعد از بیان وظایف متولی در باب نحوه اداره امور موقوفه می‌فرمایند: «ولیس لاحد مزاحمته فیه حتّی الموقوف علیهم»

۳. رهبر معظم انقلاب، نیز در پاسخ استفتاء مومنی مرقوم فرموده‌اند: «با

وجود متولی خاص، نوبت به دخالت حاکم شرع نمی‌رسد»

۴. در موقوفات خاصه فاقد متولی نیز چون عواید موقوفه، ملک طلق موقوف علیهم است (لأنما ملک طلق لهم - تحریر الوسیله کتاب الوقف مسئله ۹۸) به اجماع مسلمین و نص «فلا یحل لأحد ان یتصرف فی مال غیره بغير اذنه - وسائل الشیعه ج ۶ ص ۳۷۷» و حدیث نبوی مشهور: «الناس مسلطون علی اموالهم»، متولی موقوف علیهم می‌باشد و سازمان اوقاف در آن چه مربوط به موجودین از موقوف علیهم و حقوق آنهاست حق هیچ‌گونه مداخله و دخل و تصرف را ندارد و صرفاً راجع به عین وقف و بطون لاحقه اگر ادعا کند که مصلحت آنها از سوی موقوف علیهم موجود رعایت نمی‌شود و یا ادعا کند که اداره موقوفه توسط موقوف علیهم سلب و موجب اختلاف آنها شده است به نحوی که بیم سفک دماء یا خرابی موقوفه می‌رود و این ادعا را در دادگاه صالح اثبات کند و نیز ثابت کند که راه رفع محذور منحصراً دخالت ولی فقیه است، در این صورت اداره موقوفه خاصه فاقد متولی نیز تا رفع محذور به عهده سازمان اوقاف خواهد بود. درحالی که ماده (۱۲) و بندهای «۱» الی «۵» ماده (۳۲) آیین‌نامه موضوع شکایت، خارج از این موارد و در نتیجه خارج از محدوده شرع و قانون، حق تشخیص مصلحت موقوفه را که واقف به متولی واگذار کرده از متولی سلب و به سرپرست سازمان اعطاء کرده است.

۵. هر وقفی یا خاص است یا عام و هر یک از آنها یا دارای متولی خاص است که واقف در ضمن عقد وقف به صورت منصوص یا مستنبط تعیین کرده و یا فاقد متولی و یا مجهول التولیه است (فاقد متولی و مجهول التولیه از حیث مدیریت، حکم واحدی ندارد) و هر گونه دخالت در هر یکی از چهار نوع

موقوفات مذکور فقط با داشتن یکی از عناوین زیر ممکن است:

- مالکیت منافع: در موقوفات خاصه، موقوفه علیهم مالکین منافع هستند و بر همین اساس در صورتی که موقوفه خاصه فاقد متولی یا مجهول التولیه باشد بر اساس قاعده تسلیط (الناس مسلطون علی اموالهم) خودشان موقوفه را اداره می کنند «لأنها ملک طلق لهم - تحریر الوسیله مسئله ۹۸ کتاب الوقف»

- فاقد متولی یا مجهول التولیه بودن موقوفه عامه: بنابر اصل عموم ولایت حاکم، که می گوید «الاصل فی کل شیء لاولی له معین من الشرع ان یکون الحاکم ولیاً له - عناوین میرفتاح صدر عنوان ۷۴» و نص ماده (۸۱) اصلاحی قانون مدنی و نص بند «۱» ماده (۱) قانون اوقاف^۱، اداره امور آن با سازمان مشتکی عنه به نمایندگی از ولی فقیه است و حاکم به اختصار «ولی من لا ولی له» نامیده می شود.

- تولیت خاص، به حکم اجماع مسلمین: اگر واقف در ضمن عقد وقف، شخصی را به عنوان متولی تعیین کرده باشد شرط واقف لازم الاتباع است و بعد از حصول قبض، خود واقف نیز نمی تواند او را از تولیت برکنار کند خواه موقوفه عام باشد و خواه خاص باشد. در این راستا به برخی فتاوی و روایات استناد شده است.

- نمایندگی یکی از صاحبان عناوین سه گانه مقدم الذکر.

۱. ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تغییر نام می یابد و امور ذیل به عهده این سازمان واگذار می گردد.
۱. اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است و موقوفات خاصه در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحقه و یا رفع اختلاف موقوف علیهم متوقف بر دخالت ولی فقیه باشد.

همان طور که ملاحظه می‌فرمایید نماینده ولی فقیه فقط در موقوفات عامه فاقد متولی، دخالت و مدیریت دارد و در موقوفات خاصه فاقد متولی نیز همانگونه که بیان شد، تنها پس از اثبات توقف و انحصار مصلحت وقف و بطون لاحق و یا رفع اختلاف موقوف‌علیهم در محکمه صالحه، دخالت سازمان مجاز می‌باشد.

درحالی‌که بندهای مورد اعتراض در ماده (۳۲) آیین‌نامه به طور مطلق و در تمام حالات موقوفات، امور مهمه همه انواع موقوفه را به طور انحصاری در اختیار نماینده ولی فقیه قرار داده است.

۳) قوانین جاری

۱. مطابق ماده (۷) قانون اوقاف «هرگاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید یا در انجام وظایف مقرر در وقفنامه و قانون آئین‌نامه‌ها و مقررات مربوط مسامحه و اهمال ورزد، با رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه حسب مورد معزول یا ممنوع‌المداخله یا ضم امین خواهد شد.» همچنین به موجب تبصره «۲» این ماده «در مواردی که مطابق قانون مدنی یا این قانون ضم امین می‌شود، دادگاه‌ها می‌توانند سازمان حج و اوقاف و امور خیریه را هم به عنوان امین تعیین کنند»

بنابراین همانگونه که مشاهده می‌شود مطابق احکام فوق دادگاه صرفاً مختار است تحت شرایطی، اشخاص و یا سازمان را به سمت امین منصوب نماید. درحالی‌که بندهای ماده (۳۲) اصلاحی بدون اینکه دادگاه حکمی صادر نموده باشد، کلیه متولیان را مظان تعدی و تفریط قرار داده و در نتیجه سازمان اوقاف را امین قرار داده. همچنین در صورتی که دادگاه سازمان را امین منصوب نماید

دیگر نمی‌توان صلاحیت امین را محدود به بندهای ذیل ماده (۳۲) نمود.
ماده (۲۸) آئین نامه اجرایی^۱ نیز در راستای ماده (۷) قانون، وضع شده و ترتیب کار را مشخص نموده است که با ماده (۳۲) متفاوت است.

۲. بند «۱» ماده (۱) قانون اوقاف، تفویض اداره امور برخی موقوفات به سازمان و همچنین ماده (۸۱) اصلاحی قانون مدنی و سایر قوانین همگی دخالت و مدیریت اوقاف به نمایندگی از ولی فقیه را مقید و مشروط به «فاقد متولی یا مجهول التّولیه بودن موقوفه» کرده‌اند.

۳. مطابق سطر دوم از ماده (۳۲) اصلاحی ترتیبات و اختیارات سازمان در این ماده به‌منظور ... رفع مظنه تعدی و تفریط، شناخته شده است. لذا براین اساس کلیه متولیان اوقاف در مظان تعدی و تفریط بوده و در واقع تعدی و تفریط آن‌ها مفروض گرفته شده است. درحالی‌که براساس اصل ۳۷ قانون اساسی «اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود»

ب) پاسخ مشتکی عنه

مشتکی عنه و سازمان موضوع آئین‌نامه مورد اعتراض پاسخی ارائه ننموده است.

ج) تبیین موضوع

همانگونه که در بخش ادله شاکی بیان گردید سابقاً هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به استناد نظر فقهای محترم شورای نگهبان بندهای شش‌گانه ماده

۱. ماده ۲۸- ادارات تحقیق موظفند همه ساله با ملاحظه بودجه‌ها و صورتحسابهای ارسالی از طرف متولیان و هیئتهای امانت و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و مؤسسات مشمول چنانچه به موارد مختلف برخورد نمودند مدارک لازم را جمع آوری و برابر ماده ۷ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و تبصره‌های مربوطه اقدام نمایند در خصوص تخلف امانت مراتب توسط اداره حج و اوقاف و امور خیریه محل به سرپرست سازمان گزارش و کسب تکلیف خواهد شد.

(۳۲) و ماده (۱۲) را ابطال نموده است و بندهای مورد اعتراض در شکایت حاضر در واقع جایگزین مواد ابطال شده می‌باشند که به ادعای شاکی واجد همان احکام موارد ابطال شده هستند و تفاوتی در ماهیت ندارند. بابررسی ماده (۱۲) و ماده (۳۲) سابق و بندهای ذیل آن نیز چنین موضوعی به وضوح قابل مشاهده است. بدین صورت که ماده (۱۲) سابق مقرر داشته بود «در مورد موقوفاتی که عرصه و اعیان آن وقف است، اعطای حق تملک اعیان به مستأجر ممنوع می‌باشد در بعضی موارد استثنایی تملک اعیان مستحدثه به وسیله مستأجر با تصویب سرپرست مجاز است و این موضوع در مورد باغ‌های موقوفه و همچنین در مورد موقوفات خاص نیز جاری است.»

همچنین ماده (۳۲) پیشین مقرر داشته بود «موارد زیر از جمله اموری است که انجام آن‌ها موکول به اجازه سرپرست سازمان که مأذون از طرف ولی فقیه است خواهد بود:

- ۱- فروش رقبات موقوفه و نحوه تبدیل آن.
 - ۲- اعطای حق تملک اعیان به مستأجر در موقوفاتی که عرصه و اعیان آن وقف است و این امر در مورد باغات موقوفه نیز جاری است.
 - ۳- اجازه بیش از ده سال.
 - ۴- ترک مزایده در مورد اجاره موقوفه مشمول مزایده.
 - ۵- استرداد دعاوی مطروحه در مراجع قضایی.
 - ۶- ارجاع اختلاف به داوری و انتخاب داور یا داوران.
 - ۷- نصب و عزل امنا موقوفات و بقاع متبرکه.»
- همانگونه که مشاهده می‌شود بندهای «۱» و «۲» الی «۶» ماده سابق در قالب

بندهای «۱» الی «۵» ماده (۳۲) اصلاحی ذکر شده و بند «۲» این ماده و ماده (۱۲) سابق نیز در قالب ماده (۱۲) اصلاحی بیان شده است.

لازم به ذکر است که به موجب رأی دیوان «نظر به این که به موجب نامه‌های شماره ۸۸/۳۰/۳۷۵۰۰ و ۸۸/۳۰/۳۷۵۰۱ مورخ ۸۸/۳۰/۳۷۵۰۰ / ۴ / ۱۲ / ۱۳۸۸ شورای نگهبان، اطلاق ماده ۱۲ و بندهای یک الی شش ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵ توسط فقهای شورای نگهبان خلاف موازین شرع اعلام شده است، ... اطلاق ماده ۱۲ و بندهای یک الی شش ماده ۳۲ آیین‌نامه مذکور ابطال می‌شوند.»

همچنین فقهای شورا در استعلام دیگری درخصوص مغایرت مواد (۱۲) و (۳۲) و برخی احکام دیگر آئین‌نامه موضوع شکایت در سال ۱۳۹۱ نسبت به همین مواد اصلاحی که هم‌اکنون موضوع شکایت قرار گرفته‌اند اعلام داشته‌اند: «اگر چه اشکال آقای رحیم قهرمان زاده اقدم در رابطه با اخذ پذیره وارد نمی‌باشد، لیکن اطلاق اصلاحیه مواد ۱۲ و ۳۲ آیین‌نامه قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۹۱/۳/۷ از این جهت که اختیارات متولی خاصی که امین باشد را مشروط به تایید نماینده ولی فقیه در سازمان نموده است، خلاف موازین شرع شناخته شد»

لذا این‌گونه به نظر می‌رسد که در استعلام مذکور نیز باتوجه به تاریخ شکایت (۱۳۹۱/۱۰/۱۲) و همچنین ذکر تاریخ آئین‌نامه مذکور در متن نظر شورا، و تاریخ تصویب آئین‌نامه موضوع شکایت (۱۳۹۱/۳/۷)، شکایت صورت‌گرفته ناظر به همین احکام مورد اعتراض در شکایت حاضر می‌باشد و همانگونه که فقهای شورای نگهبان اظهار نموده‌اند سابقاً شورا در این خصوص

اعلام نظر نموده (و مغایر شرع دانسته) است. لکن به نظر می‌رسد پیرو اظهارنظر دوم فقهای شورای نگهبان، هیأت تخصصی مربوطه دیوان عدالت اداری، این موضوع را درک ننموده و در رأی خود صرفاً اعلام نموده است «در خصوص شکایت ... به خواسته اعتراض به ماده (۲) و تبصره ذیل آن و ماده (۱۰) تصویب نامه شماره ۱۳۰۷۸-۶۵/۲/۲۳ هیات وزیران به جهت مغایرت با شرع و قانون، نظر به اینکه شورای محترم نگهبان در پاسخ استعلام طی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۸۵۹ - ۹۲/۷/۸ اخذ پذیره را خلاف شرع تشخیص نداده است و از طرفی بر مبنای ماده (۱۳) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف، اخذ و دریافت پذیره پیش بینی شده است بنابراین ماده (۲) و تبصره ذیل آن و ماده (۱۰) تصویب نامه مورد شکایت خلاف شرع و قانون نبوده، لذا به استناد بند (ب) ماده (۸۴) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌کنند...»

لذا همانگونه که مشاهده می‌شود در رأی هیأت تخصصی دیوان هیچ اشاره‌ای به ماده (۱۲) و (۳۲) نشده و در نتیجه مجدداً در شکایت حاضر مورد اعتراض قرار گرفته‌اند.^۱

۱. لازم به ذکر است که اگرچه در رأی مذکور اشاره‌ای به ماده (۱۲) و (۳۲) نشده است ولیکن در «نظریه هیأت تخصصی»^{*} مربوطه به مواد مذکور و مغایرت آن‌ها با شرع اشاره شده است، اما در هر صورت این موضوع در رأی ذکر نشده است و در نتیجه کماکان مواد مذکور معتبر شناخته شده است.

^{*} نظریه هیأت تخصصی اقتصادی مالی و اصناف

بر مبنای نامه شماره ۵۱۸۵۹ / ۳۰ / ۹۲ - ۹۲ / ۷ / ۸ قائم مقام دبیر محترم شورای نگهبان مواد ۱۲ و ۳۲ اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه در جلسه مورخ ۳ / ۷ / ۹۲ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نظر فقها به شرح ذیل اعلام گردیده است. «اگر چه اشکال آقای رحیم قهرمان زاده اقدم در رابطه با اخذ پذیره وارد نمی‌باشد، لیکن

اما فارغ از سوابقی که تاکنون پیرامون موضوع مصوبه مورد اعتراض ذکر شد، از حیث قانونی نیز لازم به ذکر است که مطابق بند «۱» ماده (۱) قانون اوقاف در بیان صلاحیت این سازمان «اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است و موقوفات خاصه در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحقه و یا رفع اختلاف موقوف علیهم متوقف بر دخالت ولی فقیه باشد» را برعهده سازمان نهاده است. همچنین همان‌گونه که در استنادات شاکی بیان گردید، سازوکار ضم امین به متولی وقف در سایر موارد مشخص شده است و موارد مذکور در احکام مورد شکایت در زمره آن‌ها قرار ندارد.

نتیجه‌گیری

باعنایت به مطالب مذکور به نظر می‌رسد مفاد احکام مورد شکایت تنها با برخی تغییرات عبارتی نظیر مواد سابق آئین نامه موضوع شکایت است که پیشتر توسط فقهای معزز شورای نگهبان مغایر شرع شناخته شده است و حتی درخصوص آئین‌نامه جدید نیز سابقاً فقهای شورای نگهبان اعلام نظر نموده و مغایر شرع شناخته‌اند و لکن در هر صورت چنین امری در رأی اخیر دیوان منعکس نگردیده و در نتیجه مجدداً مورد اعتراض واقع شده است. همچنین با بررسی قانون اوقاف، صلاحیت‌هایی که در احکام مورد اعتراض وجود دارد منطبق با قانون مذکور به نظر نمی‌رسد و از این حیث نیز محل تأمل است.

→

اطلاق اصلاحیه مواد ۱۲ و ۳۲ آیین نامه قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۷/۳/۱۳۹۱ از این جهت که اختیارات متولی خاصی که امین باشد را مشروط به تایید نماینده ولی فقیه در سازمان نموده است، خلاف موازین شرع شناخته شد» بنابراین اعضای هیات به اتفاق آراء عقیده بر ابطال اطلاق اصلاحیه مواد ۳۲ و ۱۲ آیین نامه مورد شکایت به لحاظ مغایرت با موازین شرعی دارند. /

امام خمینی (ره):

و از شورایی محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل مابقی آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود رایانها و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند.

(سخن امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

تهران، خیابان شهید سپهبد قزنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۸۸۳۳۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir